

نقش آفرینی بانوان در عرصه‌های تبلیغ دین

❖ مقدمه

رسالت تبلیغ دین همه گروندگان به اسلام را در بر می‌گیرد و همه مسلمانان از مرد و زن وظیفه دارند در حدّ توان و نیرو در دین، آگاه و فقیه شوند؛ اسلام و قرآن را بشناسند و تعالیم قرآن را به دیگران بشناسانند. نیز در تربیت دینی دیگران بکوشند.

خطاب «الذین یبلغون رسالات اللّٰه»، کریمه: «فلولا نفر من کل فرقه منهم طائفه لیتفقھوا فی الدین و لینذروا قومهم»، سفارش: «و لتکن منکم امه یدعون إلی الخیر و یأمرون بالمعروف» و سفارش‌های دیگر قرآن در راستای آگاهی‌بخشی و انذار و بشارت و امر به معروف و نهی از منکر، ویژه مردان نیست بلکه همه امت و مؤمنان را در بر می‌گیرد.

از آن جا که در گذشته مردان از امکانات آموزشی و تبلیغی بیشتری برخوردار بوده‌اند، غالباً در ادای این تکلیف الهی پیشگام‌تر بوده‌اند.

ولی باید توجه داشت بانوان از ظرفیت‌ها و توانایی‌های تعلیمی و تبلیغی ویژه‌ای برخوردارند که در مردان کمتر وجود دارد. این ویژگی‌ها بهره این گروه را در تبلیغ مکتب و تربیت دینی مردم، بالاتر برده است. عواطف سرشار، لطافت روح و روان، مهرورزی، احساسات بی‌شائبه همراه با پیوستگی و پیوند مداوم بانوان با کودکان و نوجوانان و نقش مادر، عاملی بی‌جایگزین در نفوذ و جذب و تبلیغ نسل نواخته است. بانوان با داشتن نیروی خدادادی عواطف و محبت‌گریزی بیش از مردان در کودکان مؤثرند؛ چه انسان تنها اندیشه و خرد نیست تا فقط در برابر قدرت استدلال تسلیم گردد، بلکه آدمی مجموعه‌ای از عواطف و احساسات گوناگون است که بخشی از روح او را شکل می‌دهد. اگر این عواطف به شیوه درست و معقولی هدایت گردد، کاربرد و نفوذ پیام را دوچندان می‌سازد.

به تجربه، افرادی که دارای مادران متدین، هوشمند و با تدبیر اما پدران بی‌اعتنا و یا دین‌گریز بوده و هستند، گرایش مذهبی آنان بیشتر است از کسانی که به عکس مادران دین‌گریز و پدران متدین داشته‌اند. حدیث نورانی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم: «الجنه تحت اقدام الامهات؛ بهشت زیر پای مادران است»، اگر یک مفهومش آن باشد که خرسندی مادر موجب ورود فرزندان به بهشت است، پیام دیگر حدیث این است: آموزش‌های مادر به فرزند و تربیت درست دینی فرزندان، کلید بازگشایی درهای بهشت به روی فرزندان است و درس‌های درست زندگی و راه و رسم پیامبرانه مادر، راه استفاده از میوه‌های دلپذیر باغ‌های مینو را بر فرزندان هموار می‌سازد. رفتار محبت‌آمیز مادر پیش از آن که در تربیت جسمی کودک نمود پیدا کند در تربیت روحی و مذهبی کودک خود را نشان می‌دهد.

❖ نگاهی به کارنامه تبلیغی بانوان صدر اسلام

نگاهی به کارنامه آموزشی و تبلیغی بانوان در صدر اسلام و دنیای معاصر نشان می‌دهد: آن‌جا که زنان مؤمن، دین‌باور و زمان آشنا در عرصه تعلیم و تربیت و تبلیغ دین حضور فعال داشته‌اند، به رشد فرهنگ دینی جامعه کمک کرده و توانسته‌اند نسلی شاداب و فعال و رو به رشد را تربیت کنند و به اردوگاه حق یاری رسانند اما آن‌جا که عرصه به دست زنان ناپارسا و یا گمراه و خرافه‌پرداز افتاده، حرکت دینی جوانان و مردان رشد منفی داشته، دشواری‌های بزرگی در راه رشد و تکامل جامعه ایجاد شده است.

• عهد نبوی

در دوره پیامبر، بانوان مسلمان در عرصه آموزش و تبلیغ پیام دین نقش سازنده و بی‌بدیلی ایفا کرده‌اند. زنان افزون بر اداره امور داخلی منزل، گرم نگاه داشتن کانون خانواده و آماده ساختن فرزندان و همسران برای یاری پیامبر، در یادگرفتن معارف دین و رساندن آن به دیگران نیز فعال بوده‌اند.

نگاهی به فضای عمومی آن دوره، نشان‌گر حیات اجتماعی و علمی، جنب و جوش فرهنگی و مسؤولیت‌پذیری زنان است. زنان در تلاش بوده‌اند در حرکت‌های دینی پا به پای مردان حرکت کنند و سهم خود را در یاری به دین ادا کنند. از این رو، زنان پیایی از پیامبر می‌پرسیده‌اند که وظیفه و رسالت ما چیست؟ چه کنیم که در ثواب‌ها و وظایف و پاداش کارهایی که مردان انجام می‌دهند شریک باشیم و

دین خود را به اسلام و قرآن ادا کنیم؟! به ویژه زنان در حوزه یاد گرفتن معارف و مسائل دین و یاد دادن آن به دیگران حرکت های ثمربخشی انجام داده اند؛ راهی که تداوم آن در دوره پس از پیامبر کم رنگ شده است.

● خدیجه کبری سلام الله علیها

حضرت خدیجه پس از علی علیه السلام نخستین مسلمان بود. او آگاهانه و از سر تحقیق و کند و کاو به پیامبر ایمان آورد و زندگی خود را وقف حمایت از دین و تبلیغ پیام قرآن نمود.

به تجربه، افرادی که دارای مادران متدین، هوشمند و با تدبیر اما پدران بی اعتنا و یا دین گریز بوده و هستند، گرایش مذهبی آنان بیشتر است از کسانی که به عکس مادران دین گریز و پدران متدین داشته اند. نگاهی به کارنامه آموزشی و تبلیغی بانوان در صدر اسلام و دنیای معاصر نشان می دهد:

آن جا که زنان مؤمن، دین باور و زمان آشنا در عرصه تعلیم و تربیت و تبلیغ دین حضور فعال داشته اند، به رشد فرهنگ دینی جامعه کمک کرده و توانسته اند نسلی شاداب و فعال و رو به رشد را تربیت کنند و به اردوگاه حق یاری رسانند.

خدیجه، یاور و همراه مداوم پیامبر در ابلاغ رسالت سنگین نبوت بود. او با صبر و حوصله و درایت و هوشمندی و مهرورزی دشواری های راه خدا را بر همسرش هموار می کرد، نیز خستگی های برخاسته از اذیت و آزارهای مشرکان قریش را از روحش می زدود و پشتوانه ای بزرگ برای تازه مسلمانان بود. محمد بن اسحاق در این باره نوشته است:

«کانت خدیجه اوّل من آمن بالله و رسوله و صدقت بما جاء من الله و وازرتّه علی أمره فخفف الله بذالك عن رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و کان لا یسمع شیئا یکرهه، من ردّ علیه و تکذیب له، فیحزنه الا فرج الله ذلك عن رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم بها. إذا رجع الیها تثبته و تخفف عنه و تهوّن علیه أمر الناس حتی ماتت رحمها الله»

خدیجه میان زنان نخستین کسی بود که به خدا و پیامبر ایمان آورد و آن چه حضرت از جانب خداوند آورده بود تصدیق کرد. او رسول خدا را در رسالت یاری کرد و خداوند به وسیله خدیجه این راه دشوار

را بر فرستاده‌اش هموار فرمود. نسبت‌های ناروا و سخنان ناخوش که از مردم می‌شنید (مانند دروغ خواندن ادعاهای او ...) خداوند راه برون‌رفت از آن را به وسیله خدیجه بر او می‌گشود. وقتی پیامبر به سوی آن بانوی بزرگ، باز می‌گشت، حضرت را به پایداری وامی‌داشت و با خوشرویی، اندوه را از دل پیامبر می‌زدود. چنان که دشواری‌های راه تبلیغ و ابلاغ رسالت را بر حضرت آسان می‌کرد. این شیوه او تا واپسین روز حیاتش بود.

افزون بر این یآوری‌ها در تبلیغ دین، خدیجه، همه دارائیش را در راه پیشبرد دعوت دینی انفاق کرد. اموالش را در اختیار پیامبر گذاشت تا آن را برای رفع مشکلات تازه مسلمانان مستضعف و فرودست و برای آزادی بردگان مسلمان شده به کارگیرد. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در پاسخ رشک یکی از همسرانش بر خدیجه فرمود:

« به خدا سوگند! خدا به جای خدیجه بهترش را به من نداده است. او در هنگامی که مردم مرا نپذیرفتند به من ایمان آورد. وقتی مردم مرا تکذیب کردند او مرا تصدیق کرد و آن‌گاه که مردم مرا محروم ساختند، با اموالش یاری داد.»

زنان تازه مسلمان در مکه با همه دشواری‌های راه و شکنجه‌های کفار بر ضد مسلمانان، برای آشنا شدن با قرآن و آموزش آن به دیگران، تلاش می‌کردند و در این راه تا پای جان پیش می‌رفتند.

• حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها در عرصه تبلیغ دین

فاطمه زهرا سلام الله علیها، از نمونه‌های روشن بانوان موفق در حوزه تبلیغ دین بود. او در همه حال حرکات و سکنات پدر را زیر نظر داشت و آن‌ها را به خاطر می‌سپرد. پیامبر هر روز با فرزند دیدار داشت و در نشست‌های ویژه و عمومی، معارف و ارزش‌های دینی را به فاطمه یاد می‌داد و قدم به قدم فرزند را برای به دوش گرفتن رسالتی بزرگ آماده می‌ساخت.

فاطمه سلام الله علیها، به روزگار پدر و پس از او، مرجع دینی و علمی مردم بود. او دانش‌های قرآنی و سیرت پیامبر را برای مردم شرح می‌داد. به‌ویژه از لحظات حساس تاریخ اسلام و دوران مکه و ویژگی‌های سیرت پیامبر و روایاتی که به او آموزش داده بود، به فرزندان و دیگر مردم توشه‌های علمی

می‌آموخت. بخشی از علوم و دانش فاطمه که در مجموعه‌ای در اختیار امامان معصوم قرار گرفته، به مصحف فاطمه سلام الله علیها شهرت یافت. مصحف فاطمه، از منابع دانش و فتوای امامان بوده، به جز آن، فاطمه سلام الله علیها به شبهه‌ها و پرسش‌های دینی بانوان پاسخ می‌داد.

بانوان مهاجر و انصار از بنی هاشم و دیگران برای فهم مسائل شرعی به ایشان مراجعه می‌کردند و آن بزرگوار با صبر و حوصله به پرسش‌های آنان پاسخ می‌گفت. امام حسن عسکری علیه السلام در این باره فرموده است: زنی نزد فاطمه سلام الله علیها آمد و گفت: مادرم زنی ناتوان است و در نمازش مشکل دارد. مرا فرستاده تا مسائلی را از تو بپرسم. فاطمه، به پرسش‌های پرسنده پاسخ داد. زن، مسائلی دیگر پرسید و فاطمه پاسخ داد. سؤال و جواب‌ها بسیار شد. زن، از پرسش‌های پیاپی خود شرمنده گشت و ابراز داشت: دختر پیامبر! تو را به رنج افکندم! فاطمه پاسخ داد: مشکل خود را بپرس. اگر کسی متعهد گردد باری سنگین را در روز به اجرت صد هزار دینار به مکان بلندی ببرد، بر او دشوار است؟ زن گفت: نه.

فاطمه گفت: به جای پاسخ به هر مسئله، بیش از اندازه بین زمین و عرش (از خداوند) لؤلؤ (گوهر قیمتی) دریافت می‌کنم. پس شایسته است این کار بر من مشکل نباشد. از پدرم شنیدم: «علمای شیعه ما در حالی به محشر وارد می‌شوند که به هر یک از آنان به مقدار دانش و تلاش‌شان در جهت هدایت بندگان خدا هزار خلعت از کرامت و حلّه نور می‌پوشانند. سپس منادی از سوی پروردگار ندا می‌دهد: ای کسانی که ایتم آل محمد را سرپرستی کردید و آنان را به هنگام جدایی‌شان از پدر خود - ائمه - نگهداری کردید! اینان، شاگردان شمایند و یتیم‌هایی که آنان را سرپرستی و اداره کردید. به آنان خلعت دانش بپوشانید.

در مقابل، شاگردان نیز به استادان خود خلعت می‌پوشانند. سپس خداوند عزوجل می‌فرماید: خلعت عالمان و آموزگاران را دو برابر کنید و نعمت را بر آنان کامل گردانید. پس دوچندان دیگر به آنان خلعت داده و حلّه پوشانده می‌شود. همچنین بر کسانی که پس از آنان آمده و به شاگردان خود خلعت داده‌اند. فاطمه سلام الله علیها، افزود: ای بنده خدا! یک رشته از این خلعت‌ها به هزار هزار مرتبه برتر است از آنچه آفتاب بر آن تابیده؛ چه نعمت‌های دنیا با مرارت و ناصافی آمیخته است.»

امام حسن عسکری علیه السلام فرمود: دو زن در مسئله‌ای از امور دین اختلاف داشته و ماجرا را برای داوری نزد فاطمه آوردند. یکی معاند و بدخواه بود و دیگری مؤمن (دوست اهل بیت) فاطمه به سود زن مؤمنه حجت و برهان آورد. زن بر رقیب خود پیروز آمد. زن مؤمن بسیار خوشحال شد. فاطمه فرمود: «خرسندی ملائکه از خرسندی تو بیشتر است و حزن و ناراحتی شیطان از شکست زن بدخواه از ناخرسندی او افزون‌تر.»

خداوند متعال فرمود: عطا دهید به فاطمه که راه گفتگو و پیروزی آن زن ناتوان مؤمن را گشوده، هزار هزار برابر آنچه برایش آماده کرده بودم. این را سنت و دستوری دائمی برای هر کس قرار بدهید که ناتوانان مؤمن را در احتجاج بر معاندان یاری می‌رساند، هزار هزار برابر آن چه برای او در بهشت آماده شده است. سخنان و خطبه‌های زهرا سلام الله علیها در جمع مهاجران و انصار در مسجد پیامبر در ماجرای فدک، دائرة المعارفی از علوم دین و حقایق است و در آن باورها، ارزش‌ها، راه و رسم اجتماعی و سیاسی اسلام ترسیم شده است. خطبه‌ای که بلاغت و فصاحت و ژرفای معانی آن، خطبه‌های نهج البلاغه را تداعی می‌کند که عمل مسلمانان بر آن، راه هدایت را به روی همگان گشوده جامعه اسلامی را از سرگشتگی و گمراهی به ساحل نجات می‌رساند.

در بیماری فاطمه زهرا سلام الله علیها که در پی آن درگذشت، زنان مهاجر و انصار به عیادت آن بانو رفتند. فاطمه به طور مشروح جایگاه امامت را برای زنان شرح داد و پیامدهای ناگواری را که در پی کنار زدن امیر مؤمنان از جانشینی پیامبر و رهبری امت، دامنگیر جامعه اسلامی خواهد شد، شرح داد. نیز آینده‌ای تاریک و فتنه‌های هولناکی را برای امت به دور از امام راستین پیش بینی کرد. «سوید بن غفله» می‌گوید: زنان مهاجر و انصار، گفته‌های فاطمه را برای همسران خود باز گفتند و در واقع آنان را تشویق کردند برای بازگرداندن حق به جایگاه اصلی خود تلاش ورزند. گروهی از مهاجرین و انصار برای عذرخواهی نزد فاطمه آمدند و گفتند: ای سرور زنان، اگر ابوالحسن (علی) این گفته‌ها را پیش از استوار شدن کار و بیعت ما می‌گفت، با دیگری بیعت نمی‌کردیم. فاطمه فرمود: از من دور شوید. عذر شما پذیرفته نیست!

• دعوت شوهر به اسلام

ام سلیم از زنان بزرگوار صحابی بود. از پیامبر روایت کرده و در باره‌اش نوشته‌اند: «و کانت من العقلاء النساء؛ از زنان خردمند بود.» وی نخست همسر نظر بن مالک بود. ام سلیم، همراه قبیله‌اش مسلمان شد. شوهرش را به اسلام دعوت کرد ولی او خشمناک شد و به شام رفت و در آنجا درگذشت.

ام سلیم، سپس به همسری ابوطلحه انصاری درآمد. ابوطلحه هنوز مشرک بود که از ام سلیم خواستگاری کرد. زن گفت: من مسلمانم و تو مشرک. اگر مسلمان شوی، مهرم بر تو حلال است و چیزی از تو نمی‌خواهم. در گزارش دیگر آمده است: اباطلحه از ام سلیم خواستگاری کرد. او در پاسخ گفت: ای ابوطلحه! آیا نمی‌دانی درختی که او را می‌پرستی از زمین روئیده شده است. گفت: بلی. گفت: شرم نمی‌کنی درختی را می‌پرستی. اگر مسلمان شوی، مهر من، اسلام تو خواهد بود.

ام سلیم با هوشمندی و درایت ابوطلحه را مسلمان کرد. از این خانواده فرزندان مسلمان و برومند به وجود آمدند.

• راهنمای سلمان

روایت شده کنیزک اصفهانی «امه الفارسیه» که به مدینه رفته، پیش از سلمان فارسی مسلمان شده بود، در مسلمان شدن سلمان بی‌تأثیر نبود. همو بود که سلمان را به سوی پیامبر راهنمایی کرد و سلمان ایمان آورد. همچنین خواهر عدی بن حاتم طائی برادر را تشویق کرد دست از فرار و سرگردانی بردارد و نزد پیامبر رفته و با او بیعت کند. چه رفتار نیک پیامبر با اسیران قبیله «طی» و بخشیدن آن‌ها، افراد قبیله را به اسلام متمایل کرده بود. عدی بن حاتم به سفارش خواهر راهی مدینه شد و پس از مطالعه در سیرت و سخنان پیامبر مسلمان شد. به برکت مسلمان شدن او شمار بسیاری از قبیله «طی» مسلمان شدند.

• بانوان راوی حدیث

گروه بزرگی از بانوان در روزگار پیامبر (و سپس در دوره امامان) همواره با شنیدن خطبه‌های نماز جمعه و دیگر آموزه‌های تعلیمی و تبلیغی پیامبر، موضوعات تفسیری و مسائل مربوط به عقاید، اخلاق و احکام

دین را یاد می گرفتند و آن را به دیگران منتقل می ساختند؛ چه پیامبر آموزش دانش را بر هر زن و مرد مسلمان واجب می شمرد. نیز مسلمانان را به رساندن پیام دین به دیگران تشویق می فرمود:

« عن ام کثیر بنت یزید الانصاریه قالت: دخلتُ انا و أُختی علی النبی صلی الله علیه و آله و سلم فقلتُ له: إنَّ أُختی ترید أنْ تسألک عن شیء و هی تستحی، قال: فلتسأل فإنَّ طلب العلم فریضه. قال: فقلتُ له أو قالتُ له اُختی: إنَّ لی ابنا یلعب بالحمام. قال: اما انه لعبه المنافقین؛

ام کثیر گوید: با خواهرم نزد پیامبر رفتم، گفتم: خواهرم می خواهد مسئله ای بپرسد، ولی شرم دارد! فرمود: بپرسد که طلب دانش واجب است. من یا خواهرم پرسیدیم: فرزندی دارم که کیبوترپرانی می کند، پاسخ داد: این بازی منافقان است.»

بخش زیادی از شأن نزول آیات مربوط به بانوان، احکام زنان و بخشی از روایات دیگر از پیامبر، توسط روایان زن گزارش شده است، مانند: آیات ارث، سوره نساء، که در ارتباط با پرسش ام کجه از ارث دختران، نازل شد و پیامبر در این ارتباط دهها مسئله مربوط به ارث را شرح کرد. همچنین آیات مربوط به روابط خانوادگی با کفار در سوره ممتحنه و شأن نزول آیات سوره دهر، در باره اهل بیت «و یوفون بالندر» از طریق فضّه خدمتکار فاطمه زهرا به ما رسیده، گزارش شأن نزول آیه تطهیر در سوره احزاب از طریق ام سلمه و عایشه در باره اهل بیت، روایت شده است و ...

در منابع روایی شیعه و سنی، صدها روایت از روایان زن در دست است. مجموعه این نقلها دائره المعارفی از تفسیر و عقاید و اخلاق و احکام را تشکیل می دهد.

• اسماء زن سخنور

اسماء بنت یزید بن سکن، که به سخنگوی زنان مشهور بود: «کان یقال لها خطیبه النساء.»

اسماء دهها حدیث در موضوعات گوناگون از پیامبر روایت کرده است، از جمله روزی اسماء، خدمت پیامبر رسید. رسول خدا میان اصحاب بود. گفت: پدر و مادرم قربانت! من نماینده زنان هستم.

ما زنان می‌گوییم خداوند تو را هم بر مردان مبعوث فرمود و هم بر زنان. تو تنها پیامبر مردان نیستی. ما زنان نیز به تو و خدای تو ایمان آورده‌ایم. ما زنان در خانه‌های خویش نشسته، نیاز شما مردان را برمی‌آوریم. فرزندان شما را می‌پرورانیم. اما می‌بینیم وظایف مقدس و کارهای بزرگ و ارجمند و پراجر و با ارزش به مردان اختصاص یافته و ما محرومیم! مردانند که توفیق جمعه و جماعت دارند. به عیادت بیماران می‌روند. در تشییع جنازه شرکت می‌کنند. حج مکرر انجام می‌دهند و از همه بالاتر توفیق جهاد در راه خدا دارند. وقتی یک مرد به حج یا جهاد می‌رود ما زنان هستیم که اموال شما را نگهداری می‌کنیم. برای جامه‌های شما نخ‌ریسی می‌کنیم. فرزندان شما را تربیت می‌کنیم. چگونه است که در زحمت‌ها شریک شما مردان هستیم اما در وظایف بزرگ و مقدس و کارهای پراجر و پاداش شرکت نداریم و از همه آن‌ها محرومیم.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نگاهی به اصحاب کرد و فرمود:

آیا تاکنون از زنی سخنی به این خوبی و منطقی بدین رسایی، در امور دین شنیده‌اید؟

یکی از اصحاب گفت: خیال نمی‌کنم این سخن از خود این زن باشد.

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به جواب این مرد اعتنایی نکرد. سپس رو به اسماء کرد و فرمود:

ای زن آن چه را می‌گویم درست فهم کن و به زنانی که تو را فرستاده‌اند نیز بفهمان. پنداشتی هر که مرد شد به واسطه این کارها که برشمردی توفیق اجر و پاداش و فضیلت را می‌یابد و زنان محرومند؟

خیر، چنین نیست. زن، اگر خوب خانه‌داری و شوهرداری کند، نگذارد محیط پاک خانه با غبار کدورت آلوده شود، اجر و پاداش و فضیلت و توفیقش معادل است با همه آن کارها که مردان انجام می‌دهند.

«اسماء» که زنی با ایمان بود و تقاضای او و زنان همفکرش از عمق ایمان‌شان برمی‌خاست وقتی آن جواب را شنید چهره‌اش از خوشحالی برافروخته شد و با خوشحالی به سوی همفکرانش برگشت.

ام عطیه انصاریه از زنان صحابی و راوی حدیث است. شیخ طوسی او را از صحابه پیامبر شمرده و گفته است: ام عطیه با پیامبر بیعت کرد و روایاتی از آن حضرت دارد. ابن سعد در طبقات گفته است: صحابه

مسائل غسل اموات را از او یاد گرفتند. وی در غزوات برای مداوای زخمیان همراه پیامبر می‌رفت. همو گفته: در هفت غزوه همراه پیامبر بودم. مداوای مجروحان کرده و برایشان غذا می‌پختم. چون زینب دختر پیامبر از دنیا رفت، مرا یاد داد که او را چگونه غسل دهم. فرمود پس از غسل مرا خبر کن. چون به او خبر دادم حضرت آمد و شیوه کفن کردن مردگان را به من یاد داد و سپس صحابه، احکام غسل و کفن اموات را از او یاد گرفتند.

ام اسلم از زنان مؤمن و آگاه زمان پیامبر بود. وی آگاهی‌های سودمندی از معارف اسلامی به‌ویژه در موضوع امامت تحصیل کرده، آن را به دیگران منتقل می‌ساخت. به برکت آگاهی بخشی‌های او بسیاری به راه اهل بیت هدایت شدند. کلینی از امامان نقل کرده:

ام اسلم روزی نزد پیامبر آمد. حضرت در منزل ام سلمه بود. از پیامبر سراغ گرفت که ام سلمه پاسخ داد در پی‌کاری رفته. پس از بازگشت پیامبر، به او گفت: کتاب‌های پیشین را مطالعه کردم و احوال پیامبران و اوصیای (جانشینان) آنان را می‌دانم. موسی یک وصی در زندگی و یکی پس از مرگ داشت و نیز عیسی؛ وصی تو ای رسول خدا کیست؟

پیامبر آیتی (معجزه‌ای) به او نشان داد و گفت: «هر کس پس از من بر انجام این معجزه توانا باشد او جانشین من است.» ام اسلم نشانه جانشینی پیامبر را در علی، امام حسن، امام حسین و امام سجاد علیهم السلام دید. در روزگار امام سجاد درگذشت.

«زینب العطاره» زن عطر فروش در زمان پیامبر به سرای زنان ایشان برای عطر فروشی می‌آمد و از پیامبر حدیث می‌شنید و به دیگران منتقل می‌کرد، از جمله حدیث مفصلی در باره آفرینش که در ضمن آن چندین آیه در باره آفرینش زمین و آسمان تفسیر شده است.

«فاطمه بنت حیث» که گزارشی از او از پیامبر در باره احکام حیض در دست است.

• **ام ایمن، خدمت کار پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم**

از آغاز عمر پیامبر تا پایان همراه حضرت بود و برای پیامبر، مادر شمرده می شد. حضرت زینب کبری به نقل از ام ایمن حدیث معروف پیامبر در باره سرنوشت اهل بیت و جریان کربلا را روایت کرده است. ام ایمن از دوستان اهل بیت بود و در ماجرای فدک به سود فاطمه زهرا گواهی داد.

«نسیبه» از دیگر بانوان مبلّغ و فعالی بود که به پیامبر کمک می کرد. او سخنان و سیرت پیامبر را در جنگ و صلح به خاطر سپرده، پس از حضرت رویدادهای صدر اسلام، به ویژه حوادث نبرد اُحد را برای زنانی که آن روزگار را ندیده بودند گزارش می کرد.

«ام رعله قشیریه» از دیگر بانوان هوشمند و سخنور بود: «کانت امراه ذات لسان و فصاحه». وی همواره نزد پیامبر می آمد و از حضرت مسئله می پرسید و برای دیگران نقل می کرد. از جمله روزی از پیامبر در باره وظایف بانوان و زنان پرسید، فرمود: «بر شما باد به استغفار در شب و روز و چشم از نامحرمان پوشیدن و آهسته سخن گفتن ...»

• **رویارویی بانوان با تبلیغات روانی دشمن**

در صدر اسلام، دشمنان دین و مخالفان اهل بیت، برای مبارزه با اسلام، افزون بر استفاده ابزاری از زنان، از زنان شاعره و سخنور نیز کمک می گرفتند. شاعران و هجوسرایان و رجزسرایان با برشمردن افتخارات جاهلی، زنده کردن کینه های جاهلی و سرودن اشعار هیجان انگیز، احساسات کافران را بر ضد مسلمانان تحریک می کردند. به ویژه پس از غزوه خونین بدر، کفار قریش برای گرفتن انتقام بدر از مسلمانان از ابزار هنر شعر بسیار استفاده بردند.

عصماء دختر مروان، همسر یزید بن زید از این کسان بود: «کانت تؤذی النبی صلی الله علیه و آله و سلم و تعیب الاسلام و تحرض علی النبی صلی الله علیه و آله و سلم و قالت شعرا؛

عصماء همواره پیامبر را آزار می داد و بر اسلام خرده می گرفت و مردم را علیه پیامبر می شوراند و در این باره شعر می گفت.»

عصماء در اشعار خود کینه‌های خفته کفار قریش و یهودیان علیه پیامبر را زنده می‌کرد و آنان را دعوت می‌نمود با اسلام مبارزه کنند.

«أبی عفک» از پیرمردان حسود و کینه‌ورز مدینه بود که کفار و یهودیان مدینه را علیه اسلام تحریک می‌کرد: «کان یحرض علی عداوه النبی صلی الله علیه و آله و سلم و لم یدخل الاسلام. فلما خرج رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم الی بدر جمع و قد ظفره الله بما ظفره فحسده و بغی و قال»

«ابوعفک» مردم را بر دشمنی پیامبر تحریک می‌کرد و مسلمان نشد چون پیامبر از نبرد بدر پیروزمندانه بازگشت بر پیامبر حسد ورزید و طغیان کرد و در این باره اشعاری سرود.

«ام جمیله» همسر ابولهب در مکه نیز مردم را علیه مسلمانان می‌شوراند و مسلمانان را هجو می‌گفت.

این روند در جریان نبرد احد به اوج رسید. کفار قریش، در احد، زنان خویش را برای مبارزه با اسلام به صحنه نبرد آورده بودند تا با سرودن اشعار هیجان‌انگیز و برانگیختن حس غرور و نفرت، مردان را در مبارزه با اسلام یاری دهند.

هند جگرخوار همسر ابوسفیان سر کرده زنان بود. کنیزان هند ترانه‌های ویژه‌ای را با آهنگ برای سربازان خود می‌خواندند. زنان قریش پیش از آغاز نبرد، پیشاپیش مردان دف می‌زدند و سپس کنار می‌رفتند. هر گاه کسی قصد فرار داشت او را نکوهش کرده و با برانگیختن کینه‌های خفته او را تشویق می‌کردند با پیامبر بجنگد. برخی از زنان کافر چون عمره دختر علقمه در نبرد شرکت کردند!

روند مبارزه تبلیغاتی کفار علیه اسلام پس از احد نیز ادامه یافت. ابن‌احطل کنیزکان را یاد داد با زبان شعر و موسیقی، مردم را به اسلام و پیامبر بدبین کنند!

در برابر موج تبلیغاتی دشمن علیه اسلام، زنان مسلمان بی‌کار ننشستند. بانوان هنرمند و اسلام‌شناس افزون بر پشتیبانی اقتصادی و خدماتی از سربازان اسلام، با حفظ حیا و پاکدامنی، از زبان ادب و شعر برای پاسخگویی به شبهه‌افکنی‌های سخنوران دشمن علیه پیامبر استفاده کردند. زنان شاعر همچون مردان سخنور مسلمان با منطق و استدلال، به خرده‌گیری‌های کفار قریش بر ضد اسلام پاسخ می‌دادند، نیز

قریش را برای خرافه‌گرایی و کرنش در برابر بت‌های بی‌جان و باور به چیزهای موهوم سرزنش می‌کردند.

اروی، بنت عبدالمطلب، عمه پیامبر از بانوان هوشمند و زمان‌شناس مسلمان بود. او در خانه عبدالمطلب بزرگ شده بود و نسبت به زمان جاهلیت و نیز تعالیم اسلام آگاهی‌های سودمندی داشت.

اروی، در مکه به اسلام گروید و فرزندان خود را تشویق می‌کرد پیامبر را یاری دهند. خود نیز با زبان منطق و استدلال، زیبایی‌های اسلام را برای زنان و مردان قریش شرح داده، زشتی‌های فرهنگ جاهلیت و بت‌پرستی را برملا می‌کرد، چنان‌که به دروغ‌زنی‌های ابوجهل و ابولهب و همسرش ام‌جمیله در حق مسلمانان پاسخ می‌گفت:

«ثم کانت بعد تعضد النبی بلسانها و تحضّ ابنها علی نصرته و القیام بامرہ؛

پس از اسلام پیامبر را با زبان یاری می‌رساند و فرزندش را بر یاری اسلام و کمک به رسالت پیامبر تشویق می‌کرد.»

اروی روزی فرزندش را جهت مبارزه با ابوجهل سخت ستود و برادرش ابولهب را اندرز داد با کافران هم‌ردیف نشود و از پیامبر در برابر آزارهای قریش دفاع کند. اروی همراه مسلمانان به مدینه هجرت کرد. او پس از درگذشت پیامبر، سروده‌های زیبایی در رثای حضرت سرود، از جمله:

الا یا رسول الله کنت أنت رجاءنا

و کنت بنا برّاً و لم تک جافیا

کان علی قلبی لذکر محمد

و ما جمعت بعد النبی المجاویا

ای رسول خدا! تو امید ما بودی.

تو یاور ما بودی و دست‌دهنده داشتی.

جز یاد محمد در دلم چیزی دیگر را قرار ندادم.

زبان اروی پس از پیامبر نیز در خدمت اهل بیت و یاری علی علیه السلام از کار نمی ایستاد. چنان که گفتیم در برابر یاوه گویی های عصما بنت مروان و ابو عففک، پاسخ های مناسبی از سوی مبلغان مسلمان، از جمله بانوان شاعر داده شد. نهاده، از زنان مسلمان مدینه، در پاسخ ابو عففک سروده های نغزی را منتشر ساخت که آغاز آن چنین است:

تکذب دین الله و المرء احمد

لحمد الذی امناک اذ بئس مایمنی...

ابن هشام این اشعار را به امامه ربذیه نسبت داده است.

در نبرد احد زنان مسلمان مدینه برای کمک به پیامبر با همه توان شرکت کردند. برخی از زنان برای مداوای زخمیان و آب دادن به تشنگان همراه پیامبر به احد رفتند. برخی مانند نسبیه با شجاعت با کافران جنگیدند و از پیامبر دفاع کردند.

بانوان مدینه فرزندان و همسران و برادران خود را برای کمک به پیامبر به جبهه فرستادند و آنان را تشویق می کردند به اسلام یاری رسانند. بانوان دین پرور، افراد ترسو و عافیت طلب را نکوهش کرده و از به جا ماندگان از نبرد عیب می گرفتند. چنان که زنان بنی ظفر بر قُزمان که از جنگ احد تخلف کرده بود خرده گرفتند و گفتند: مردان به کارزار رفتند و تو جا ماندی؟! قُزمان! از کار خود شرم نداری؟! مردان قبیله ات رفتند و تو ماندی.

بانوان مسلمان به سروده های فتنه گرایانه هند جگرخوار پاسخ دادند. در برابر سروده هند که به کشتن حمزه افتخار می کرد و در حالی که روی درختی بالا رفته و با صدای بلند فریاد می زد:

نحن جزینا کم بیوم بدر

والحرب بعد الحرب ذات سحر

هند، دختر ابانه بن قرشی از زنان پیشگام در اسلام، در پاسخ هند بنت عتبه اشعاری سرود از جمله:

جزیت فی بدر و غیر بدر

یا بنت وقاع عظیم الکفر

ضحک الله غداً الفجر

بالهاشمین الطوال الزهر

بکل قطاع حسام یفری

حمزه لیث و علی صقری

ای دختر سردسته کافران! پاسخ خود را در بدر و غیر بدر دریافتی. خداوند با شمشیر بلند بالای درخشان هاشمیان، در پگاهان لب‌های مؤمنان را خندان کرد.

حمزه شیر است و علی باز شکاری!

• بزرگداشت شهیدان اسلام

بانوان مدینه از میراث شهیدان پاسداری کرده، یاد و خاطره افتخار آفرین جانبازان راه خدا را بزرگ داشتند و نگذاشتند که یاد و افتخارات آنان در تاریخ کم رنگ شود. زنان انصار به ویژه زنان قبیله بنی الاشهل که بیشترین کشتگان از آنان بود به سفارش پیامبر نخست به خانه حمزه سیدالشهدا رفتند. در آن جا ضمن همدردی با خاندان پیامبر در عزای آن شهید غریب، از ایثارها و شجاعت‌های شهیدان یاد کردند. در این هنگام کمتر خانه‌ای در مدینه بود که از آن بانگ ناله و سوگواری بلند نشود جز از خانه حمزه. پیغمبر اشک در چشمانش بگشت و فرمود: «و لاکن حمزه لایواکی له الیوم؛ شهدای احد گریه کننده دارند اما حمزه گریه کننده امروز ندارد.»! سعد بن معاذ و اسید بن خضیر به زنان انصار گفتند: دیگر بر کشتگان خود نگرید. نخست بروید نزد حضرت فاطمه سلام الله علیها و او را در گریستن بر حمزه همراهی کنید آن گاه بر کشتگان خود گریه کنید.

زنان چنان کردند. چون صدای گریه و شیون ایشان را پیغمبر شنید فرمود: «برگردید، خدا شما را رحمت کند. برابری کردید.» از آن روز مقرر شد هر مصیبتی بر اهل مدینه واقع شود اول بر حمزه نوحه کنند، آن گاه بر خود.

• زیارت شهیدان

بانوان برای دیدار با شهیدان و تجدید خاطره با آنان همواره به زیارت اُحد می‌رفتند و با زیارت ارواح پاک‌شان، با آنان تجدید دیدار کرده و ضمن طلب شفاعت از آنان متعهد می‌شدند راهشان را ادامه دهند. این کار بیشترین تأثیر را در نهادینه کردن دعوت اسلامی برای نسل آن روز و پی‌آمدگان داشته و دارد. فاطمه زهرا سلام الله علیها به همراه عمه‌های پیامبر، عاتکه و صفیه، همواره به زیارت شهدای اُحد می‌رفت:

«کانت فاطمه بنت رسول الله تاتيهن بين الیومین و الثلاثه فتبکی عندهم و تدعوا؛

فاطمه دو روز در میان و یا سه روز یک بار به شهدای اُحد می‌رفت و نزد آنان گریه می‌کرد و دعا می‌نمود.»

ام سلمه، همسر پیامبر نیز همواره به اُحد می‌رفت. بر آنان سلام می‌کرد و گاه یک روز در آن جا می‌ماند و می‌گفت: «هر کس به آنان سلام کند، تا روز قیامت، پاسخ می‌دهند.» فاطمه خزائیه از زوار اُحد ادعا می‌کرد که پاسخ سلام خود را از شهیدان اُحد شنیده است.

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم سفارش می‌کرد به زیارت شهدای اُحد بروید. به آنان سلام کنید. هر کس تا روز قیامت بر آنان سلام کند پاسخ می‌گویند.

منبع: پیام زن، آبان ۱۳۸۶، شماره ۱۸۸